درس نهم : جمله ی فعلیه

جمله (در تقسیم بندی کلی) در زبان عربی به دو نوع فعلیه و اسمیه تقسیم می شود که البته در دوره ی راهنمایی آن ها را خوانده اید . تعریف هر جمله نیز از اسمش پیداست . بنابر این جمله ی فعلیه جمله ای است که با فعل آغاز می شود و هر یک ارکانی دارد که در این جا به آن می پردازیم .

ارکان اصلی جمله ی فعلیه ⟸ فعل + فاعل + مفعول (در صورتی که فعلمان متعدی (گذرا) باشد .) مانند :
غَرَسَ عليٌ شجرةً .

اجزای دیگری نیز در هر دو جمله مطرح است که رکن نیستند . مانند : جار و مجرور ، مضاف إليه ، صفت و ...

توجّه :

۱ . باید این مسأله را تکرار نمود که فاعل مرفوع است و مفعول ، منصوب (چه با تنوین و چه بدون تنوین) .

۲ . فاعل انواعی دارد .

۳ . مفعول نیز انواعی دارد که البته در بحث ما نیست ، اما ما در این جا اشاره ای به آن می کنیم .

٤ . یکی ازتقسیم بندی های فعل ، تقسیم آن به لازم (ناگذر) و متعدی (گذرا) است که توضیح آن در این بحث می گنجد :
فعل لازم (ناگذر) ، فعلی است که به مفعول نیاز ندارد . مانند : جَلَسَ عَليٌّ ✗ .
اما فعل متعدی (گذرا) نیاز به مفعول دارد . مانند : كَتَبَ عَليٌّ الدرسَ .

مهم : طرز تشخیص فعل متعدی :

۱. فعل را در جواب « چه چیز را ؟ » یا « چه کسی را ؟ » قرار می دهیم . اگر جواب داشت ، متعدی است .
مانند : كَتَبَ عَليٌّ الدرسَ . علی چه چیز را نوشت ؟ درس را . پس « كَتَبَ » متعدی است . اما در : جَلَسَ عَليٌّ ، می گوییم : علی چه چیزی را نشست ؟ یا : چه کسی را نشست ؟ جواب ندارد ، پس « جَلَسَ » لازم است.

۲ . فعلی که در باب افعال ، تفعیل ، مفاعلة ، استفعال باشد ، متعدی است . زیرا مفهوم مفعول را در خود دارند .

۳. بعضی از افعالِ لازم هستند که با حرف جر « بـ » متعدی می شوند ، که به این گونه افعال ، « متعدی با بـ » گویند[1] . مانند :
جاء علي . : علی آمد . جاء علي بكتابه . علی کتابش را آورد .
نزل علي . : علی پایین آمد . نزل علي بيده . علی دستش را پایین آورد .

٤. مهم : بعضی ازافعال گذراهستند که دو مفعول می پذیرند و به آن ها دومفعولی می گویند . درترجمه ، مفعول اول معمولاً به صورت متمم فارسی (یعنی با "از" یا "به" یا ..) و مفعول دوم با "را" ترجمه می شود . مانند : رزق الله عليّاً ولداً . خداوندبه علی فرزندی را عطا فرمود. البته ممکن است درترجمه جابه جا نیز ترجمه شود . منظورمان این است که مفعول اصلی با "را" می آید .

* مهم ترین و متداول ترین افعال دومفعولی که درکتب اول تاسوم دبیرستان آمده ازاین قراراست : رَزَقَ(روزی داد) ، عَلَّمَ (یادداد) ، حَسِبَ (گمان کرد، پنداشت) ، جَعَلَ (قرارداد) ، وَجَدَ (یافت) ، آتیٰ (داد) ، أعطیٰ (عطاکرد) ، ألبَسَ(پوشاند) ، زادَ (افزود) ، وَعَدَ (وعده داد) ، عَدَّ (به شمارآورد) ، أریٰ (نشان داد) ، ذَوَّقَ (چشاند) ، اِتَّخَذَ (گرفت ، به شمارآورد) .

---

[1] - فقط جهت مطالعه

انواع فاعل

۱ . اسم ظاهر : یعنی فاعل ، اسم باشد نه ضمیر . مانند : درّسَ المعلمُ الکتابَ .

فاعل و مرفوع ، نوع : اسم ظاهر

۲ . ضمیر بارز : شامل تمام ضمایر متصل مرفوع در تمام افعال می شود . مانند :

جئتُ إلی المدرسة .

فعل و فاعل آن ضمیر بارز " تُ "

۳ . ضمیر مستتر* : به این معنی است که فاعل در فعل مورد نظر ، پنهان است . (مستتر = پنهان)

مانند : المعلمُ درّسَ الکتابَ .

فعل و فاعل آن ضمیر مستتر " هوَ "

- نکته :چرادر جمله ی آخر،"المعلم" فاعل نیست؟ جواب: زیراقبل ازفعل آمده وکلمه ای که قبل ازفعل بیاید،فاعل محسوب نمی شود.

* ضمائر مستتر

۱ . هُوَ : حمیدٌ جَلَسَ . (" هو" در "جَلَسَ " مستتر است .)

۲ . هِيَ : فاطمةُ جلسَتْ . (" هي" در "جَلَسَتْ" مستتر است .)

۳ . أنتَ : یا علي ! أُكتُب التمارينَ . ("أنتَ " در " أُكتُب" مستتر است .)

٤ . أنا : أنا أرجعُ من المدرسة.("أنا " در"أرجعُ " مستتر است.منظور"أنا" دراول جمله نیست.)

٥ . نحنُ : نقرأ الدرسَ . (" نحن" در " نَقرَأ" مستتر است .)

انواع ضمائر مستتر با نمونه ی افعال :

ضمائر مستتر	در ماضی	در مضا رع	در امر
هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ	غائب ، امر ندارد .
هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ	غائب ، امر ندارد .
أنتَ	مستتر ندارد .	تَكْتُبُ	اُكْتُبْ
أنا	مستتر ندارد .	أكْتُبُ	متکلم ، امر ندارد .
نحْنُ	مستتر ندارد .	نَكْتُبُ	متکلم ، امر ندارد .

توجّه :

چند نکته ی بسیار مهم در مورد انواع فاعل :

۱ . فاعل باید باید باید بعد از فعل بیاید .

۲ . هر فعل فقط مـی تواند یکـی از انواع فاعل را بپذیرد . یعنـی مثلاً فاعلِ یک فعل نمـی شود هم اسم ظاهر باشد وهم ضمیر مستتر .

۳ . اگر در جمله ای فاعل بصورت اسم ظاهر باشد ، دیگر در فعلمان ضمیر مستتر مشخص نمـی کنیم . مانند : کتبتْ فاطمةُ درسَها .

سؤال : در این جمله کدام یک فاعل است : فاطمة یا ضمیر مستتر "هي" در "کتبتْ" ؟

جواب : مسلماً "فاطمة" فاعل است . زیرا اسم ظاهر بر ضمیر مستتر، ارجح است .

انواع مفعول:

۱ . اسم (ظاهر) : یعنـی مفعول ، اسم باشد ، نه ضمیر . مانند : غرسَ حميدٌ شجرةً .

۲ . ضمیر (بارز) : یعنـی مفعول ، ضمیر باشد . مانند : غرسَهُ حميدٌ .

* یکـی از مواردی که مفعول مـی تواند قبل از فاعل بیاید ، این است که مفعول ، ضمیرباشد . نَصَرَهُ عليٌّ . علی به اوکمک کرد .

تمرین جمله ی فعلیه :

۱. عَيِّن الجُمَلَ الفعلية و اذكر أركانها :

ألف) « قالَ رَبّنا الذي أعْطى كلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثمَّ هَدَى . »

ب) « إنَّ اللهَ لا يَظلمُ الناسَ شَيئاً وَ لكنَّ الناسَ أنفسَهُمْ يَظلمونَ . »

ج) « يا أهلَ الكِتابِ لِمَ تَلْبِسونَ الحَقَّ بالباطِلِ وَ تَكْتُمونَ الحَقَّ وَ أنتمْ تَعْلَمونَ . »

د) « كُلَّ إنسانٍ ألْزَمْناهُ طائرَهُ في عُنُقِهِ . »

هـ) أنتمْ تُكرَمُونَ لِحُسْنِ أخلاقِكُمْ .

۲. غَيِّر الجُمَلَ الفعلية إلى الاسمية :

ألف) تَحَسَّرَ الناسُ وَ انْقَطَعَتْ آمالُهُم .

ب) « قد أفلحَ المُؤمنونَ الذينَ هُمْ في صَلاتِهِمْ خاشِعونَ . »

ج) « يُسَبِّحُ له ما في السّماواتِ و الأرضِ . »

د) هَل يَعْتَمِدُ العاقِلُ عَلى الجاهِلِ ؟